

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

احمد پوری- هالند

۲۲ نومبر ۲۰۱۹

پیروزی جنبش به کدام فاکتورها وابسته است؟

آیا این جنبش در برابر نمایش قدرت رژیم قابل شکست و بازگشت به نظم قدیم است؟

در شرایط امروز چگونه می تواند در جهت موفقیت نهائی حرکت کند؟

تا کنون دشمن سرکوبگر ریتم خود را بر جنبش ها و تظاهراتهای خیابانی تحمیل می کرد، تا از رادیکالیزه شدن و حرکت به سوی انقلاب پیشگیری و در نطفه خفه کند، اکنون جنبش ریتم خود را در تمام شهرها به دولت تحمیل کرده... عکس العمل تمامی دولتها در مقابل قیام توده ها بر این اصل استوار است: از دست ندادن کنترل بر جمعیت، تضمین بقای خود و به تعویق انداختن لحظه ای که توسط توده ها از اریکه قدرت به زیر کشیده می شوند!... آگاهی طبقاتی واقعی چیزی نیست که ما با خود به مجالس و محافل می بریم... چیزیست که ما را همراه خود می برد، ما را به مقاومت خلاق و خودسازماندهی هوشیارانه وامی دارد، ما را از برخی دور می کند و به بسیاری نزدیک می سازد، "من سابق" و منفرد را طرد می کند و با هم سرنوشتها پیوند می زند... هر خیزش واقعی توده ها از آگاهی به حقیقتی آغاز می شود که مهر خود را بر جنبش می کوبد و تأثیری پایدار بر فعالان و شرکت کنندگان جنبش برجای می گذارد... جنبش خودجوش توده ها و شدت مقاومت در برابر سرکوب دشمن از نقطه عطفی گذر کرده است که بازگشت به وضعیت سابق نه عادی، نه مطلوب و نه حتی قابل تصور است!

یادمان باشد که در جنبش سبز، رهبران جنبش و هواداران شان با افتخار می گفتند: "ما سیاسی نیستیم! سرنگونی طلب نیستیم، خشونتگرا نیستیم، ایدئولوژی نداریم! انقلاب نمی خواهیم! سازماندهی نمی خواهیم!... ما مطالبه محور هستیم! مبارزه مسالمت آمیز، هم ستراتیژی و هم تاکتیک ماست!"...

اما جنبش با تمام افت و خیزها و با توجه به تجربیات مشخص خود اکنون کجا ایستاده؟ توهمات و امیدی که در اعتراضات قبلی به بخش هائی از دولت و اصلاح پذیری آن بسته شده بود، اکنون به طور کامل دود شده و از بین رفته! قربانیان نظام و فقراء به این حقیقت واقف شده اند که هیچ چیزی شکاف بین تظاهرات کنندگان و دولت را نمی تواند پر کند و به اهداف خود نخواهند رسید مگر با انقلاب و محور ریشه ئی نظام حاکم!... هر روز بخش فزاینده ای از فعالان جنبش به جای متوسل شدن به میر حسین ها و چاههای جمکران و التماس به ولی فقیه، به خودباوری رسیده اند و به جای شعار مقدس "مبارزه مسالمت آمیز هم ستراتیژی و هم تاکتیک" به انواع و اشکال مبارزات ممکن از جمله مبارزه

مسلحانه روی آور می شوند!... روشن است که مسأله فقط گرانی بنزین نیست، بلکه سرنگونی ریشه تمامی مشکلات یعنی نظام حاکم است!...

ما در میانه فروپاشی نظم ولایت فقیه و اقتصاد نئولیبرالی هستیم، در چنین میدانی هرکس باید جبهه خود را برگزیند. فاجعه چیزی نیست که در آینده اتفاق خواهد افتاد، ما در میان فاجعه ایستاده ایم...

در پانزدهم نومبر یعنی یک روز قبل از خیزش توده ها در باره اهمیت اعتصابات و مدرسه انقلاب نوشته بودم: " ایران و خاورمیانه آستان حوادث غیرقابل تصور و آتشفشان خشم توده های سرکوب شده هستند!

حوادث اخیر در کردستان سوریه، عراق، لبنان،... نشان می دهد که بی ثباتی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در خاورمیانه چه ابعادی دارد و چقدر سریع جرقه ای در یک کشور به شعله ور شدن خشم توده ها منجر می شود و حتی به کشورهای دیگر نیز سرایت می کند!...

ایران هم به هیچ وجه در این میدان استثنائی بر قاعده نیست که هیچ، سالهاست که از این بحران به بحران دیگر پناه می برد و هر آن مستعد شعله ور شدن خشم بنیان کن توده هاست! جنگ افروزان و جنایتکاران بین المللی هم در اطراف کشور ما خیمه زده و منتظر فرصت مناسب هستند تا از آب گل آلود برای خود ماهی بگیرند!... خاورمیانه به انبار باروت و سلاحهای مدرن و ویرانگر جهان تبدیل شده! هنوز دروازه های جهنم بروی ساکنان خاورمیانه گشوده نشده!... در چنین شرایطی چه می توان کرد؟..."

حوادث روزهای اخیر تأیید بخش مهمی از سطور فوق بود...

تقریباً دو سال پیش در قیام بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۶ یادداشت زیر را نوشته بودم که برای امروز هم صادق است! در نهایت تأسف نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج از ایران نتوانسته اند همگام با جنبش های خودجوش قویتر و متحدتر شوند و طبق معمول فوران خشم توده های به جان آمده از دست جنایتکاران سرکوبگر همه را غافلگیر می کند!...

برگردیم به سؤالی که در بالا مطرح کردم: " پیروزی جنبش به کدام فاکتورها وابسته است؟"

از نظر من موفقیت جنبش بر تضمین اصول زیر استوار است.

یک: به میدان آوردن بیشترین توده های ممکن از کنج خانه ها به صحنه تظاهرات و اعتصابات، در گسترده ترین شکل ممکن در بیشترین تعداد شهرها و دهات...

اصل اساسی حاکم بر تمام میدانهای جنگ، تقویت نیروهای خود و تضعیف و شکست نیروهای دشمن است!

دو: تضمین تداوم جنبش، درک خودیژکیهای این جنبش و دست زدن به فعالیتهایی که حتی با پیروزیهای موقتی روحیه توده ها را بالا نگهدارد، مکانیسم های دفاع از خود و خودسازماندهی توده ها را تقویت کند و در تحلیل نهائی تداوم این جنبش را در تمامی سطوح ممکن تضمین کند.

سه: ایجاد رهبری برای جنبش در سطوح مختلف محلی و ملی و داشتن برنامه و ستراتیژی و تاکتیک روشن برای پیروزی. رهبری که از دل جنبش برآمده و در میدان عمل درایت و شجاعت خود را نشان داده اند... هیچ جنبشی بدون برنامه انقلابی و رهبری و ستراتیژی و تاکتیک هوشمندانه، به پیروزی نرسیده و نخواهد رسید!...

چهار: هیچ شکلی از مبارزه مقدس نیست. هر شکلی از مبارزه که به افزایش امنیت قیام کنندگان، و تعداد شرکت کنندگان و تداوم آن کمک کند، در شرایط مشخص کنونی بهترین و رادیکالترین شکل مبارزه است!... رادیکالیسم با ادعا و شعار سنجیده نمی شود! به قول مارکس توانائی دست بردن به ریشه مشکلات است! هر شکلی از مبارزه که به

امنیت، تداوم، و گسترش مبارزه ضربه بزند رادیکالیسم واقعی جنبش را تضعیف و نابود می کند!... افزایش شرکت کنندگان به امنیت و تداوم آن کمک می کند!...

پنج: تضمین استقلال جنبش از نظام ولایت فقیه و نفوذ بیگانگان و مزدورانشان! کارگران هفت تپه نشان دادند که در مبارزه با جمهوری اسلامی جنایتکار به جای تکیه بر جنایتکاران میلیاردر، امثال ترمپ ها و بن سلمان ها... می توان به توده های فقیر و محروم ایران تکیه کرد! چه تکیه گاهی!... کسانی که در قلب توده ها جای دارند، قابل شکست نیستند! قلب توده ها تنها دژ تسخیر ناپذیری است که توسط هیچ دشمنی قابل فتح نیست! قلب توده ها را تنها خادمان واقعی و فرزندان صادق و مبارز می توانند فتح کنند نه دشمنان و جنگ افروزان که به تمامی سلاحهای جنایتبار متکی هستند!...

" شما نمی توانید، ما می توانیم! "

کارگران هفت تپه اوج رادیکالیسم و تداوم جنبش را در کوتاه ترین جمله به نمایش گذاشتند! اگر شما نمی توانید شرکت کشت و صنعت هفت تپه را مدیریت و اداره کنید، ما کارگران می توانیم مدیریت این شرکت را به عهده بگیریم!...

شش: در کشورهای اروپائی هدف تظاهرات ما باید به حرکت درآوردن بیشترین تعداد ایرانیان و خارجی های مرفعی در همبستگی و حمایت از جنبش داخلی باشد، نه متوسل شدن به احزاب نفوذاشیست و جنگ طلب و غیره... ما باید صدای بی صدایان ایران را به گوش جهانیان برسانیم. از آنها بخواهیم که دولت ایران را از کاربرد خشونت و جنایت علیه مردمی که برای احقاق حقوق خود به پا خاسته اند، منع کنند! اگر ماشین سرکوب جنایتکاران فلج شود جنبش با تمام مشکلات و افت و خیزها می تواند سایر مشکلات را حل کرده و به سوی پیروزی نهائی حرکت کند!

امید یا ناامیدی؟

پیام تمامی دولتها در مقابل خیزش توده ها، در این جمله با نوبی آهنین خانم مارگارت تاچر خلاصه می شود: "هیچ آلترناتیوی برای نظم حاکم موجود نیست!" به زبان دیگر توده ها هیچ چاره ای جز ناامیدی و تسلیم ندارند!... ولی واقعیات میدان مبارزه چه می گوید؟ دولتی که حقوق کارمندان و کارگزارانش را نمی تواند بپردازد، چگونه می تواند به طور دائم هر روز دهها یا صدها هزار نیروی نظامی را برای نمایش قدرت و سرکوب توده ها در خیابانهای تمامی شهرها نگهدارد؟! پس بزودی نمایش قدرت مردم شروع خواهد شد و زلزله های عمیقتر سیاسی در راهند! برای کمتر کردن هزینه پیروزی و رنج قربانیان باید با توجه به اصول فوق و ارتقای آگاهی سیاسی، خودمان و قربانیان نظام را برای رویانی با زلزله های بنیان کن آماده کنیم و بیشترین تعداد ممکن را به حرکت در بیاوریم... در غیر اینصورت این بار نیز موقعیت انقلابی به انقلاب منتهی نخواهد شد و یک فرصت تاریخی دیگر از دست خواهد رفت.

یک چیز مسلم است تمامی اسطوره ها و میتولوژیهای مذهبی و خرافاتی که جمهوری اسلامی به کمک آنها بر مغزهای توده ها حکومت می کرد، توسط تجربه مشخص تاریخی از ذهن توده ها به زباله دان تاریخ ریخته شده و موقعیت سابق غیرقابل بازگشت است!

جمهوری اسلامی سراپا فاسد و جنایتکار از برآورد کردن خواست توده ها که سهل است، از امکان ایجاد اصلاحات جدی و حل تضادها در درون رهبری طبقه حاکم ناتوان است! به همین دلیل، هم از امکان سرکوب همه جانبه مؤثر و هم از برآورد کردن بخشی از مطالبات توده ها، به ویژه کارگران و بیکاران و فقراء ناتوان است!...

توده ها ترس رژیم و نشانه های سردرگمی رهبران نظام را ... به طور مستقیم در میدان مبارزه تجربه کردند. این امر اعتماد به نفس و امید آنها را به موفقیت جنبش بیشتر کرده... شکاف غیرقابل پنهان کردن درون طبقه حاکم و گسلهای باورنکردنی میان شهروندان و دولت، خبر از زلزله های سیاسی و اجتماعی بزرگتری می دهد که در راهند. باید با تمام توان در جهت اصلاح ضعف های موجود و تقویت این جنبش کوشید. در چنین شرایطی به دلیل ضعفهای جنبش و اپوزیسیون مستقل، حتی در صورتی که این جنبش شکست بخورد، هربار قویتر از سابق در فرصتهای مناسب تاریخی قد علم خواهد کرد و گستردگی و ابعاد حضور توده ها، بیشتر از بار قبل همه را غافلگیر و شگفت زده خواهند کرد!

در خار ببین گل را، بیرون همه کس بیند در جزو ببین کل را، این باشد نشان اهلیت!

(مولوی)

این جنبش را سر ایستادن نیست!

دزدیدن جوانان و سرکوب و قتل فرزندان دلیر این مرز و بوم به هر دلیل و بهانه ای که باشد پیامدهایش درست به عکس انتظارات جنایتکاران حاکم به جای ترساندن مردم آنها را در مبارزه برای دادخواهی و عدالت اجتماعی و سیاسی جسورتر خواهد کرد! تمامی آنچه که اتفاق افتاده پیش لرزه های زلزله های سیاسی و اجتماعی بنیان کن و غیرقابل تصویری هستند که در راهند و در گسل های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی بین دولت و ملت ریشه دارند!... زمانی که جامعه ای از یک نقطه عطف تاریخی و انقلابی گذر می کند در شرایط استثنائی قرار دارد، ولی رهبران نادان طبق عادت عمل می کنند بی آن که بفهمند در شرایط استثنائی نتیجه کاملاً به عکس دریافت خواهند کرد! مشاوران متملق خامنه ای، با توجه به تجربیات غنی قتل های عام دهه ۶۰ و قتلهای زنجیره ای... نوشداروی حفظ تاج و تخت پوسیده نظام ولایت فقیه را در توسل به شیوه مألوف ۳۹ ساله و برپا کردن چوبه دار و جوخه اعدام جست و جو می کنند... آنها خود را مسیح زمان می نامند و در توهم خود می گویند:

هریکی از ما طبیب عالمی است * هر الم را در کف ما مرحمی است.**

ولی مولوی در مورد اینگونه شرایط استثنائی هشدار می دهد که هر "داروئی" می تواند درست خلاف انتظارات ما نتایج متضادی به بار آورد، او می گوید:

از قضا سرکنگبین صفرا فزود * روغن بادام خشکی می فزود!**

هرچه کردند از علاج و از دوا * گشت رنج افزون و حاجت ناروا**

از هلیله قبض شد اطلاق رفت * آب آتش را مدد شد همچو نفت!**

آبی را که آنها به توهم خود برای سرد کردن جنبش می ریزند همچو نفت گرما و شعله هایش را بیشتر و فروزانتر خواهد کرد!...

جمهوری اسلامی توان جوابگوئی به مشکلات بیکاری، حقوق عقب مانده کارگران و کارمندان، مسائل ملیتها، زنان و هزاران خواست ریز و درشت توده ها را ندارد! کودکان کار نابود می شوند، کارگران و کارمندان با فروش اجزای بدنشان به مرگ تدریجی ادامه می دهند! میلیونها دانشجو به ارتش بیکاران پیوسته و زندگی ۹۹٪ مردم فدای عیش و عشرت ۱٪ها شده است! این مهمترین دستاورد نظام سرمایه داری و نئولیبرالیسم حاکم بر ایران و جهان است! هر روز شکاف بین فقیر و غنی بیشتر می شود و به جای مبارزه با فقر به مبارزه با فقره می پردازند!... اکنون بخشی از پیشروان طبقه کارگر بیدار شده اند و پرچم مقاومت را به اهتزاز در آورده اند...

این جنبش فصل جدیدی را در مبارزات تاریخی مردم ایران رقم زد. خودباوری توده ها و گذر از تمامیت جمهوری اسلامی، هرگز قابل بازگشت به نظم قدیم نیست! بی دلیل نیست که کارگران و گرسنگان و بیکاران و تمامی قربانیان نظام جمهوری اسلامی سرمایه داری، چنین قهرمانانه برای نبرد یا مرگ یا زندگی به پا خاسته اند!...

نور امید و پیروزی در افق های دور دست بر پیشانی این حرکت نمایان شده، به این نور تن بسپارید، به این نور، به این نور!

با احترام،

احمد پوری (هلند) ۱۹ - ۱۱ - ۲۰۱۹

یادداشت فوق خلاصه بسیار کوتاهی از یادداشتهای زیر است که دو سال پیش در قیام دی ماه [جدی] ۱۳۹۶ نوشته بودم. پیوند این یادداشتها در صفحه فیس بوک:

https://www.facebook.com/ahmed.pouri/posts/2973246779361204?_tn=C-R

پیروزی جنبش گرسنگان به کدام فاکتورها وابسته است؟

<https://www.facebook.com/ahmed.pouri/posts/1940861392599753>

کارگران مبارز هفت تپه در دژهای تسخیرناپذیر، یعنی قلب توده ها جای گرفته اند!

https://www.facebook.com/ahmed.pouri/posts/2344085608943994?_tn=C-R

دو شعاری که بر تارک جنبشها و مبارزات ۳۹ ساله مردم ایران، علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی تا ابد خواهد درخشید. (بخش اول)

<https://www.facebook.com/ahmed.pouri/posts/1958834284135797>

اعتصاب عمومی و مدرسه انقلاب

[https://www.facebook.com/ahmed.pouri/posts/2294959610523261?_xts__\[0\]=68.ARBZRF-yF2w92JNiCOawwzl628_uocuViJ9zGZ5XK9FGDvkgBv5ryWYR6Etp67l-znbv1eoLym7mrn3bfNKjPqXw6IO3A1wuv5Wi4pLgotgjkjIW4hBq3INNANpy5OGhf4-vbqPNv0CQ4GoAkA61UM5I4HR4K7Y7EOg0hX2JIM-0URS9C5DSNFBPgakO-EnSv9T9XPCKaNIUGo4sjJ_uGA2eBeHVExmywwLBPIavjtKmDVEf-DNsSJOGqsZr0zTRRrwwELQMcp0VGIsEkCGugq2VQLdg9_YLvAipHwhYYpZuTEeM5_&irDVNDpBrBBU_3Hxbd5wFpbJ46bNMBdd1Gq0DdeoLd5G8fomYEM1ffb7KJ0obl5d8](https://www.facebook.com/ahmed.pouri/posts/2294959610523261?_xts__[0]=68.ARBZRF-yF2w92JNiCOawwzl628_uocuViJ9zGZ5XK9FGDvkgBv5ryWYR6Etp67l-znbv1eoLym7mrn3bfNKjPqXw6IO3A1wuv5Wi4pLgotgjkjIW4hBq3INNANpy5OGhf4-vbqPNv0CQ4GoAkA61UM5I4HR4K7Y7EOg0hX2JIM-0URS9C5DSNFBPgakO-EnSv9T9XPCKaNIUGo4sjJ_uGA2eBeHVExmywwLBPIavjtKmDVEf-DNsSJOGqsZr0zTRRrwwELQMcp0VGIsEkCGugq2VQLdg9_YLvAipHwhYYpZuTEeM5_&irDVNDpBrBBU_3Hxbd5wFpbJ46bNMBdd1Gq0DdeoLd5G8fomYEM1ffb7KJ0obl5d8)

<https://www.facebook.com/ahmed.pouri/posts/1931588256860400>

تا کی ملت ایران بین بد و بدتر در نوسان خواهد ماند؟ آیا تنها حق انتخاب ایرانیان یکی از دو گزینه، جهل و جنایت خواهد بود؟

<https://www.facebook.com/ahmed.pouri/posts/1931588256860400>

--

Sie erhalten diese Nachricht, weil Sie in Google Groups E-Mails von der Gruppe "kanoon-koneshe-moshtarak" abonniert haben.

Wenn Sie sich von dieser Gruppe abmelden und keine E-Mails mehr von dieser Gruppe

erhalten möchten, senden Sie eine E-Mail an kanoon-koneshe-
moshtarak+unsubscribe@googlegroups.com.

Wenn Sie diese Diskussion im Web verfolgen möchten, rufen Sie

[https://groups.google.com/d/msgid/kanoon-koneshe-
moshtarak/CAMoPgxiuQh4HEqza%2B1PwfByYAMhGwncYZ4gXyKf98jyO%3D%2Bfwc](https://groups.google.com/d/msgid/kanoon-koneshe-moshtarak/CAMoPgxiuQh4HEqza%2B1PwfByYAMhGwncYZ4gXyKf98jyO%3D%2Bfwc)
auf. g%40mail.gmail.com